



## دیدار با سمرقند

وقتی به سال ۱۳۶۴ برای نخستین بار توفیق دیدار از بخشی از سرزمین ماوراءالنهر تاریخی یعنی قزاقستان و پایتخت زیبای آن آلماتی را پیدا کردم، مانند هر ایرانی دیگری که شوق زیارت صفحات خراسان بزرگ را در سر دارد، مشتاقانه خواستار دیدار سمرقند و بخارا شدم؛ ولی دعوتی که با مساعدت یونسکو و همراهی آکادمی علوم اتحاد شوروی سابق برای بررسی سوابق فرهنگی و مدنی آسیای مرکزی به عمل آمده بود، با سخنرانی نامساعد این بنده دربارهٔ سلطه‌گران غیرآسیایی بر آسیا ابر شد و با این که بلیتهای مسافرت به ازبکستان را نیز به ما نشان داده بودند، وقتی این ضعیف از سوی میزبانان روس، بازگردانیده شد! بدیهی است که اندیشه چنان سفری همواره هر ایرانی علاقه‌مند به گذشته را همراهی می‌کند و همانند دیدار شیراز و اصفهان و یزد و تبریز، شوق قدم‌گذاری بر خطه پاک سیردریا و آمودریا را در دل‌ها زنده نگاه می‌دارد.

این بار در تابستان ۱۳۷۸ بود که با عنایت اولیای محترم وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و حمایت ضمنی مؤسسه بین‌المللی مطالعات آسیای مرکزی<sup>۱</sup> که در شهر تاریخی سمرقند استقرار دارد، مجال بالنسبه موسعی به دست آمد تا از نزدیک با منطقه‌ای که حد شمالی خراسان در گذشته بود، آشنایی حاصل گردد.

این که حدود و ثغور خراسان تا سال ۱۸۸۱ م. / ۱۲۹۶ ه‍.ق که عهدنامهٔ آخال بر دولت ضعیف ایران و حاکمیت ناصرالدین‌شاه قاجار تحمیل شد به مناطقی بس وسیع‌تر از وضع حالیه آن اطلاق می‌شد سخن گزافی نیست. این اسم در اوایل قرون میانه به‌طور کلی بر تمامی ایالاتی اطلاق می‌شد که در سمت خاور کویر لوت تا کوه‌های هند واقع بودند و به این ترتیب کلیهٔ بلاد ماوراءالنهر را در شمال خاوری به استثنای سیستان و تهستان در جنوب شامل می‌شد. «حدود خارجی خراسان در آسیای وسطی بیابان چین و پامیر و از سمت هند جبال

1. International Institute for Central Asian Studies (IICAS). Samarkand, Uzbekistan

این مؤسسه چنانکه از نام آن پیداست در سال ۱۹۹۵ م. با موافقت یونسکو در ازبکستان دایر شده است و وظیفه تحقیق و مطالعه دربارهٔ فرهنگ و تمدن اقوام و ملل منطقه را برعهده دارد.



هندوکش بوده.<sup>۱</sup> مؤلف گمنام حدودالعالم نیز ثغور خراسان را به رودخانه جیحون و ممالک هند می‌رساند و با توجه به این که کتاب به سال ۳۷۲ ه‍.ق و به عهد سلطنت آل سامان نوشته شده است می‌نویسد که: «امیر خراسان به بخارا نشیند».<sup>۲</sup>

در منابع مختلف جغرافیایی و تاریخی، البته حدود خراسان به تفاوت ذکر شده است و این امر، قدری نیز به مناسبت سیادت حکام و فرمانروایانی بوده که مستقلاً و یا مع‌الواسطه از سوی قدرتهای حاکم بر کشور، به اداره امور خراسان می‌پرداخته‌اند و طبعاً به نسبت قدرتی که کسب می‌کردند و امتیازاتی که به دست می‌آوردند، برخی از مناطق دور و نزدیک را ضمیمه صفحات حکمرانی خود می‌ساختند و محدوده مزبور، پیش از این که به وضع کنونی نزدیک شود و قیچی آخال، شهرهای مهمی چون مرو و بخارا و خیوه را از تنه اصلی دور کنند، صدمه عمده‌ای هم در سال ۱۲۴۹ ه‍.ق خورد که سیاستمداران بریتانیا در تعقیب مطامع بلندی که داشتند، هرات را وادار به خودسری کردند و پس از لشکرکشی بی‌ثمر محمداشاه به این شهر در ۱۲۵۲ ه‍.ق و بعد هم ضعف نفس میرزا آقاخان نوری در سال ۱۲۷۳ ه‍.ق / ۱۸۵۶م قسمت شرقی هریرود را از ایران منفک ساختند. کاری که نه انگلیسی‌ها و نه همراه و همگام با آنان روس‌ها، نتوانستند بکنند قطع ارتباطات فرهنگی چند هزارساله‌ای بود که در میان سکنه تاجیک و ترک منطقه موجود بوده است و همانها نیز اساس مرادفات انسانی پُردوامی را تشکیل می‌دهد که تا امروز برقرار است.

درست است که سلطه سیستماتیک کمونیستی با آن همه ترفندهای زیرکانه و روشمند<sup>۳</sup> مکتبی آنان در مغزشویی افراد ضعیف و مستعد دگرگونی، تغییراتی ایجاد کرد ولی هر اندازه هم که هوشمندانه و از نظر خود آنان علمی<sup>۴</sup> به کار پرداختند و به‌خصوص با اسکان عناصر کثیری از متروپل، سعی در تغییر بافت اجتماعی شهرها و روال سنتی زندگی مردم منطقه نمودند. باز پس از درهم پاشیده شدن امپراتوری جدید، معلوم شد که اثری بر اقداماتشان مترتب نبوده است. ترکمنان همچنان ترکمن ماندند و قرقیزها، قرقیز و بر همین

۱. دهخدا، علی‌اکبر، شماره مسلسل ۵۵، تهران ۱۳۳۹.

۲. تصحیح دکتر منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، صص ۸۹-۸۸.

قیاس، ازبکان و تاجیکان و قزاقان و دیگران اصالت‌های هویتی خود را حفظ کردند. اما دیداری که این بنده از دو شهر عمده تاشکند و سمرقند به عمل آورد، در کنار مطالعات و مشاهدات دیگری که در خلال ده و پانزده سال اخیر از منطقه داشته است این استنباط را به ذهن می‌آورد که مناطق شمالی خراسان قدیم و ماوراءالنهر تاریخی توانایی‌های بالقوه و بالفعل فراوانی برای جذب و جلب عنصر ایرانی و احیای مناسبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... دیرینه را با ایران دارند و صرف‌نظر از تاجیکستان که دل در گروه ایران نهاده و خواه‌ناخواه سرنوشت خود را با دیگر تاجیکان جهان<sup>۱</sup> پیوند داده است، کشورهای دیگری که یوغ رقیب طولانی روس‌ها را از گردن برداشته‌اند و در فضای آزاد و کم فشار جمهوری‌های مستقل زندگی می‌کنند تمایل و نیاز به حفظ و گسترش ارتباطات مختلف را حس می‌کنند.

دره‌های سفد و فرغانه که اینک شهرهای بزرگی چون تاشکند (چاچ تاریخی = الشاش دوران اسلامی) با قریب سه میلیون جمعیت و سمرقند (سمرکند = ثمرکند)<sup>۲</sup> باستانی را با قدمتی بیش از دوهزاروپانصدسال در دامان دارد، به برکت آبهای زرانودود خویش، منطقه خصیبه را به وجود آورده است که بخش اساسی جمهوری ازبکستان را رقم می‌زند و با ملاحظه مردم فعال و پُر توان، آتیه روشنی را در پیش رو دارد.

و فور منابع آب رودخانه‌های بزرگ سیر دریا و آمودریا و شعب متعدد آنها مانند زرافشان، در دوران استیلای روس‌ها، هم این منطقه را کانون غله و پنبه و دانه‌های روغنی دیگر کرده بود و هنوز هم بخش عمده‌ای از نیازهای کشاورزی جمهوری پُروسعتی مانند قزاقستان را پاسخگوست.

وجود شهرهای بزرگی که ذکرشان رفت، در کنار بخارا که در خلال هزاره‌ها مدینیتی پُربار و فرهنگی غنی را در خود جای داده، و به نحو شگفت‌آوری توانسته است که تا امروز بارقه‌های درخشان آن را در میان اخلال و دمن حوادث تلخ و دردناک تاریخی حفظ کند. توانایی‌های بی‌شماری را عرضه می‌دارد که ممکن است مورد توجه ایرانیان قرار گیرد و با

---

۱. اصطلاح محترمانه‌ای که برای حفظ ارتباطات فوی با ایران و ایرانیان سراسر جهان به کار برده می‌شود.  
۲. مظاهری، علی (پروفیسور)، جاده ابریشم، ترجمه ملک‌ناصر نوبان (۲ جلد)، جلد ۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، صص ۷۱۵-۷۱۱.

اعتنای به قدمت ارتباطات خویشاوندی در میان کلیه اقوام و ملل ساکن در منطقه، زمینه‌های مختلف همکاری‌های پایدار را تعمیق بخشد.

این جانب در خلال مراجعات مکرری که به دانشگاه امیرعلی شیرنویسی در سمرقند داشت و نیز بازدیدهای گوناگونی که از مؤسسه‌های علمی ابوریحان بیرونی و بخشهای دیگر شرق‌شناسی در هر دو شهر مهم یادشده به‌عمل آورد متوجه شد که در هریک از مراکز علمی آن سرزمین پهناور، تعداد زیادی کتب خطی نفیس به زبان‌های فارسی و عربی و ترکی موجود است که در درجه اول باید شناسایی و معرفی شود و در مرحله بعد، برگه‌نویسی و کاتالوگ گردد تا مورد استفاده جوامع علمی منطقه و جهان قرار گیرد. نسخه‌های کمیابی در علوم و فنون مختلف از طب و داروسازی و کشاورزی تا معماری و شهرسازی و علوم انسانی و قرآنی در جای جای کتابخانه‌های بزرگ شهرهای ازبکستان یافت می‌شود که گاه برخی از آنها منحصریه فردند و در بازار علم و تحقیق جایگاهی شامخ می‌یابند و گاه نیز در میانشان متونی دیده می‌شود که از اصالت خاص برخوردارند و در مقایسه نسخ موجود جهانی و مبادله مکتوبات، ارجی وافر می‌یابند.

نکته بس دلگرم‌کننده و امیدبخش این است که خوشبختانه تعداد کثیری از پژوهشگران قدر اول و نسخه‌شناسان ممتاز در شهرهای تاشکند و سمرقند و بخارا وجود دارند که با انجام تحصیلات عالی کتابشناسی در کشورهای مختلف مصر، سوریه، عراق، ایران و نیز مراکز معتابه شوروی سابق چونان مسکو و پترزبورگ آمادگی سرشاری برای کار در عرصه‌های موردنظر دارند و هم اینک نیز دولت ازبکستان از وجودشان بهره کافی برمی‌دارد. به گمان این جانب اگر مؤسسه بین‌المللی مطالعات آسیای مرکزی سمرقند بتواند اعتبار کافی بین‌المللی کسب کنند و بودجه‌ای فراخور اهداف بزرگ مؤسسان خود تدارک ببینند، می‌تواند در این زمینه فعالیتهای چشمگیری را دنبال نماید. بسیج استادان سرشناس ازبکستان برای شروع کارهای علمی در عرصه‌های:

- باستانشناسی و کندوکاوهای علمی در صفحات مختلف کشور؛

- تحقیقات ادبی و زبانشناسی برای شناخت زبانها و لهجه‌های مختلفی که از دیرباز در

منطقه بوده و روابطی بس تنگاتنگ با یکدیگر یافته‌اند (فی‌الجمله زبان‌های دری، ترکی، هندی، اویغوری و ...)

- شناسایی کتب و ذخایر علمی ممتازی که در جای جای ازبکستان و حتی کشورهای مجاور آن وجود دارد و اقدام به خرید و نگهداری متون ذی‌قیمتی که به‌طور مسلم در اختیار خانواده‌ها و اشخاص است، در مراکز علمی و تأسیسات دانشگاهی ازبکستان؛  
- بررسی پیشینه تاریخی اقوام و گروه‌هایی که از دیرباز در منطقه زیسته‌اند و نحوه‌های تعاطی افکار و تعامل آنان با یکدیگر؛

- مطالعه در باره جاده ابریشم و نقش بسیار پُراهمیتی که در خلال دست کم دو هزار سال کارکرد این جاده برای ارتباطات مدنی شرق و غرب عالم (از چین تا مدیترانه) انجام پذیرفته‌است. چه که مدارک موثق بیشماری در دست است که دلالت بر اعتبار ژئوپلتیک این منطقه حساس و استراتژیک جهان دارد و گواهی‌های فراوانی موجود است که دلالت بر درک و فهم عمیق ساکنان این خطه از مسئولیتهای تاریخیشان در مواضع حساس می‌کند.

- شرق را کانون کهن خداپرستی دانسته‌اند و آسیای مرکزی به‌طور خاص خاستگاه ادیان بزرگی چون زرتشتی و بودایی و مانوی است. به اضافه که دین مبین اسلام جایگاه بسیار بلندی در میان مردم دارد و بزرگان فقه و حکمت اسلامی و مؤلفان کتب بزرگ و مهم صحیح و سنن، همانند بخاری و ترمذی و مسلم از این نواحی برخاسته‌اند. همت والای دینداران فرهیخته همین نقاط است که آثار خیر و متبرک آنان را از یک سو تا به اقصی بلاد چین و اقیانوس کبیر برده و از سوی دیگر کلیه صفحات اقیانوس هند تا استرالیا را تحت پوشش قرار داده است. این نکته فرعیاتی مانند نحوه التقاط ادیان و مذاهب گوناگون و نحله‌های متعدد فکری و فلسفی را هم در کنار دارد و تحقق در آنها شاید میرهن گرداند که نه تنها حکومت‌های بزرگ اشکانی و ساسانی، در آغاز از این نواحی مایه گرفته‌اند بلکه کوشانشاهان و سکا‌های دیگری که هرکدام یک چند و بلکه قرن‌ها بر بلاد شرقی ایران و شمال هند تا ترکستان شرقی (کاشغر = سین‌کیانگ کنونی) فرمان رانده‌اند از همین منطقه برخاسته‌اند.

- صرف‌نظر از نکات مزبور، بحث و فحص در زمینه‌های موسیقی، نقاشی و

صورتگری، خط، مجسمه‌سازی و دیگر شعب هنرها و صنایع مستظرفه منزلت بزرگی دارد و خوض و غور در هر قسم، نشان می‌دهد که چه خدمات برجسته‌ای از دست سکنه کهن این نواحی سرزده است و مجموع جهان انسانی تا چه پایه مدیون تلاشهای بی‌وقفه مردمی سختکوش و خردمند و بصیر و فرزانه این دیار است.

مردمی که در طول عمر خود هرگز از بحرانهای متعدد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... مصون نزیستند و با این همه هیچ‌گاه نیز اعتقاد به حقانیت حیات و هستی خویش را به باد فراموشی نسپردند، ایستادند و پای فشردند و ماندند و آنچه را که میراث کهن نیاکانشان است حفظ کردند. نحوه التقاط مردم با یکدیگر هنوز هم جالب است و جاذبه‌های خاص خود را ظاهر می‌گرداند. ترک، ترکمن، تاتار، ازبک، تاجیک تازی، روس و دیگر ملل جهان مسیحیت، به گونه‌ای آسوده و بی‌تزام و دوران همه فشارهای روانی و سیاسی ناشی از تحولات ناگزیر گیتی، در کنار هم آرمیده‌اند و بی‌این‌که نقش و موقع و کارسازی یکدیگر را در گذشته و حال منکر باشند، محیطی سرشار از مؤانست ایجاد کرده‌اند. بی‌شک چنین نیروی عظیمی که نیروی قوی محرک خود را به صورت وحدت ملیتها با خود دارد، می‌تواند مورد مطالعه و پژوهش جدی قرار بگیرد و آنها که از سر صدق قصد خدمت به فرهنگهای جهانی را دارند، توش و توان خویش را بر بساط صداقت و یکدلی و یکرنگی عرضه بدارند. باشد که کانون صلح و ثبات دیگری در جهان آشوبزده ما، چهره پیدا کند و منزلت تاریخی خود را، انسان که در خور این گذرگاه تاریخی مدنیتهاست، بیابد.

دکتر رضا شعبانی

استاد دانشگاه شهید بهشتی